

بسم الله الرحمن الرحيم

مفهوم سبک زندگی

(یادداشت چاپ نشده)

سید حسین شرف الدین

تاریخچه بحث از سبک و زمینه های طرح آن

سبک زندگی به مثابه قاعده و الگوی اجتناب ناپذیر برای عینیت یابی هر نوع کنش ذهنی و عینی، اگر چه همواره یکی از متغیرهای انفکاک ناپذیر جهان روزمره انسانها بوده است اما بحث و بررسی پیرامون آن در تاریخ اندیشه اجتماعی سابقه چندانی ندارد. از این مفهوم اگر چه در ضمن اندیشه های برخی جامعه شناسان کلاسیک نظیر وبلن، وبرو ذیمل، سخن رفته است اما تنها در سه دهه اخیر است که توجهات جدی اندیشمندان علوم اجتماعی بدان معطوف شده و به صورت مستقل در کانون مجادلات نظری و مناظرات علمی قرار گرفته است.

اما به تعبیر برخی جامعه شناسان تنها در جامعه مدرن است که به دلیل وقوع برخی تحولات زمینه طرح مفهوم سبک فراهم آمده است. جامعه سنتی به دلیل تصلب ساختاری، محدودیت امکانات و فرصت ها، غلبه عادت واره ها و رویه های تعین یافته، غلبه جمع گرایی، وجود محدودیت در مسیر تنوع جویی و سلیقه ورزی، و... به صورت معمول، تک الگویی را در بیشتر ساحت های زندگی به عنوان نرم غالب پذیرفته بود. در چنین فضایی، قاعدتا زمینه ای برای طرح مفهوم سبک به معنای امروزی آن وجود نداشت. وقوع برخی تحولات دوران ساز در جامعه مدرن و پسامدرن است که زمینه طرح مجدد این مفهوم به صورت مستقل و پرحاشیه را فراهم ساخته و آن را به یکی از واژگان کلیدی علوم اجتماعی تبدیل کرده است.

عوامل و زمینه های متعددی را نیز می توان در تجدید حیات مفهوم سبک موثر دانست. از آن جمله: صنعتی شدن و شهرنشینی فزاینده و زمینه یابی برای تضعیف الگوهای سنتی و رشد خرده فرهنگ های برساختی؛ افول اعتبار و اهمیت روایت های کلان نظری و ایدئولوژیها و فراروایت ها در جهان مدرن و پسامدرن مثل دین و تضعیف بنیادهای اعتقادی و ارزشی مشترک؛ تفکیک اجتماعی تحت تاثیر تقسیم کار اجتماعی فزاینده؛ رشد طبقه متوسط

شهری با مختصات ویژه؛ کاهش نقش برخی عوامل ساختی و فعالیت های نمادین در هویت بخشی مثل کار و شغل؛ وفور و تنوع امکانات زیستی و فراغت یابی از دغدغه های معطوف به تامین نیازهای اولیه و اساسی و بالطبع عطف توجه به نیازهای ثانوی و شبه نیازها؛ عرضه گسترده و متنوع محصولات و کالاهای فرهنگی بویژه با وساطت فناوریهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی؛ اهمیت یابی مصرف به عنوان یک معیار هویت بخشی و تمایز بخشی و در نتیجه رشد مصرف گرایی؛ رشد فردگرایی و میل به استقلال؛ میل به رفاه جویی و تنوع خواهی لذت طلبانه، تجملی و متظاهرانه؛ میل به تمایز یابی و نمایش موقعیت ها، سلیقه ها و رفتارهای متمایز؛ میل به استفاده از امکانات مادی و رفاهی در خدمت معنابخشی به زندگی؛ توجه جدی به بویژه نسل جوان به مدیریت بدن، رفتارهای سیاسی، رسانه ای، فراغتی، جنسی و...؛ نیاز به تخلیه هیجانات؛ انتقال جامعه از وضعیت توده ای به جامعه متشکل از ذائقه ها؛ ارتباطات گسترده میان فرهنگی و آشنایی با سبک های زیستی متنوع بویژه از طریق رسانه های جمعی، ناکارآمدی برخی از مفاهیم همچون «طبقه» بویژه با روایت مارکسیستی آن در تفسیر واقعیت های محیطی؛ ضعف توجه جامعه شناسی کلاسیک به مقوله فرهنگ، ایدئولوژی و نقش محصولات فرهنگی.

چیستی سبک زندگی

«سبک زندگی» یک سازه مفهومی مرکب از دو واژه سبک (style) و زندگی (life) است که احتمالاً به دلیل وضوح مفهوم «زندگی» عمده مباحث حول واژه سبک متمرکز شده است. در این ترکیب، ظاهراً «سبک» ناظر به صورت و فرم و «زندگی» ناظر به معنا و محتوا است. اگرچه در واقع، جدایی و تفکیکی میان این صورت و محتوا وجود ندارد چون هیچیک بدون دیگری جز در وعاء ذهن امکان تحقق ندارند.

سبک زندگی به لحاظ ماهوی بخشی از فرهنگ نهادی شده جامعه (در مقابل فرهنگ درونی و فرهنگ متبلور) در تلقی مردم شناختی و جامعه شناختی است که به مثابه خط راهنمای نظام معنایی و کنش های عینی و ذهنی افراد در عرصه های مختلف فردی و اجتماعی عمل می کند (بنابر این سبک زندگی از سنخ معنای متبلور در محمل ها و مظاهر مادی است).

ورود سبک زندگی به حوزه ادبیات اجتماعی، اگر چه دارای تاریخ (1920 در جامعه شناسی کلاسیک به طور ضمنی و 1980 به صورت مستقل)، نظریه پردازان مشخص، در فضای گفتمانی خاصی طرح شده و به مختصات

ویژه ای منضم شده است اما به لحاظ مضمونی پدیده جدیدی نیست. چون از جنس قاعده، الگو و هنجار است که به طور طبیعی هر کنشی در مقام تحقق بدان مقید است.

به بیان دیگر، سبک زندگی مجموعه پاسخ های رسمی جامعه به سوال از چگونه زیستن است.

با این تفاوت که در گذشته روند سبکی شدن و سبک یابی به صورت طبیعی و با مشارکت همگانی بوقوع می پیوست و در جهان مدرن بیشتر با دخالت های برنامه ریزی شده مجاری فرهنگ ساز مثل نهادهای رسمی و رسانه های جمعی صورت می گیرد.

بازخوانی جدی سبک زندگی در جهان مدرن، به اعتبار ویژگی ها و مختصاتی است که سبک را از آنچه در گذشته از آن اراده می شد، متمایز می سازد.

از این میان تنها گیدنز، جامعه شناسی انگلیسی است که تصریح دارد سبک زندگی به دلیل ماهیت گزینشی و تنوع و تغییر پذیری آن از ویژگی های جامعه مدرن بوده و جامعه سنتی به دلیل غلبه تک الگویی، فاقد سبک زندگی به معنای امروزی آن بوده است.

طرح مفهوم سبک زندگی در ادبیات علوم اجتماعی، عمدتاً تحت تاثیر ظهور جریانات معناگرا و فرهنگ گرا (اعم از کلاسیک از 1920 و معاصر از 1960) در تقابل با جریان غالب و مسلط پوزیتیویستی ساختار گرا بر علوم اجتماعی و دیدگاهی که به دلیل الگو گیری تام از علوم طبیعی به جنبه های عاملیت، معنا داری، فرهنگ، فرهنگی بودن انسان و پدیده های انسانی توجهی مبذول نمی داشت.

برای شناخت چستی یک پدیده در تلقی عموم، معمولاً به تحلیل واژه های دال برای فهم مدلول و مستعمل فیه توسل جسته می شود و برای شناخت چستی در افواه متخصصان و تلقی های فنی به فرهنگ اصطلاحات خاص حوزه های دانشی مربوط رجوع می شود.

سبک در لغت

واژه سبک نیز همچون سایر واژگان تخصصی به هنگام ورود به قلمرو فرهنگ عمومی و حتی تخصصی ما تغییراتی را بویژه در گستره مفهومی و دایره شمول تجربه کرده است.

مطالعات لغت شناسانه نشان می دهد که سبک در لغت (اعم از زبان لاتین، عربی و فارسی) بیشتر در حوزه های ادبی و هنری (مثل شعر، موسیقی، خطابه و...) و تاحدی نیز در حوزه معماری (شاید باز به اعتبار ابعاد هنری) چون

معماری جزو هنرهای تجسمی به حساب می آید) که زمینه ظهور استعدادهای ویژه، خلاقیت و خودجوشی فردی، تنوع در آن وجود دارد، به کار رفته است. در ایران نیز ادعا شده که این واژه اولین بار توسط مرحوم بهاردر نام گذاری کتاب خود در تاریخ ادبیات یعنی کتاب سبک شناسی به کار رفته است.

در کاربردهای لغوی سبک(به اعتبار حوزه کاربرد و متعلق)، غالباً بر چند نکته به صورت ضمنی تاکید می شود: تاکید بر جنبه های صوری، شکلی، به جای محتوا و مضمون؛ تاکید بر جنبه های ذوقی، زیباشناختی و تجملی؛ تاکید بر جنبه تمایز بخشی به ویژه از نوع متظاهرانه و برتری جویانه آن؛ تاکید بر جنبه مدوارگی، تنوع یابی و تغییر پذیری.

سبک در ترکیب «سبک زندگی»(نیز در لغت نامه هایی مثل وبستر و اکسفورد) به شیوه، روش یا طرز زندگی فرد یا گروه که منعکس کننده عادات، نگرش ها، گرایش ها، ارزش ها، سلیقه ها، معیارهای اخلاقی، وضعیت اقتصادی و غیره آنها است، تفسیر و تعریف شده است.

این کاربرد لغوی با آنچه در علوم اجتماعی از این واژه مراد می شود، همسویی و قرابت زیاد دارد و بلکه می توان گفت دقیقاً برگرفته از مصطلحات علوم اجتماعی است.

روشن است که واژه سبک، در ترکیب «سبک زندگی» در مقایسه با ترکیب سبک در حوزه های ادبی و هنری؛ عاری از جنبه های زیباشناختی و جنبه های صرفاً شکلی و صوری است؛ یعنی علاوه بر جنبه های صوری و الگویی به جنبه های محتوایی و معنایی آن نیز توأمان عطف توجه می شود.

سبک در علوم اجتماعی

همانگونه که اشاره شده در منابع علوم اجتماعی «سبک زندگی» به صورت ترکیبی یعنی دو واژه سبک (style) و زندگی (life) به کار رفته که به دلیل وضوح واژه زندگی، عمده مباحث حول واژه سبک متمرکز شده است.

برخی جامعه شناسان نظیر ذیمل، مفهوم شیوه زندگی یا شیوه زیستن (way of living/ life) را به عنوان چارچوبی که فرهنگ اجتماعی برای انگیزش های فردی فراهم آورده(تعامل فرهنگ عینی و ذهنی) و کنش ها در محدوده آن امکان بروز می یابند؛ به کار برده است.

واژه «زندگی» به عنوان مضاف الیه یا محتوای سبک در این کاربرد، به عنوان فرایندی پیوسته، دارای پویای مستمر و وقفه ناپذیر ملاحظه می شود که به صورت قهری در قالب ها و ظروف زمان و مکان استقرار یافته و در

مجموعه ای از صور الگویی، اشکال رفتاری و رویه های مرجح تجلی و تبلور می یابد. به بیان دیگر، زندگی در روند عادی خود همواره در چارچوب اشکال و صور رفتاری تعین و تقید می یابد.

البته برخی تعابیر چنین ایهام می کند که سبک زندگی (مجموعاً) از جنس الگو، قاعده، فرم و صورت کنش های ذهنی و عینی است یا از جنس محتوا، معنا، ذهنیت یا مظهر و محتوای این ظروف است. (لذا برخی آن را به قاعده رفتار و برخی به خود رفتار تعریف کرده اند)

ترکیب و اتحاد میان صورت و ماده یا قالب و محتوا به قدری شدید و وثیق است که افراد غالباً به هنگام عمل از صورتی که عمل در قالب آن انجام می شود، غافلند. این کل ترکیبی حاوی ویژگی هایی است که آن را از سایر کل ها همچون فرهنگ، نهاد، قومیت، طبقه و... متمایز می سازد.

معرفی گزاره وار سبک در علوم اجتماعی

سبک زندگی در تلقی غالب جامعه شناسان (روان شناسانی همچون آدلر) در گزاره های ذیل معرفی شده است:

- سبک زندگی بخشی از زندگی اجتماعی روزمره جامعه مدرن، به شمار می آید. به بیان دیگر، سبک های زندگی جزء جدایی ناپذیر نظام های اجتماعی نو گرا هستند. (با تلقی جدید و صرف نظر از تلقی عام و مشترک از آن)

- سبک زندگی در واقع، نقشه زندگی، سیاست زندگی، چارچوب مرجع، شخصیت در عمل، عینیت فرهنگ ذهنی، تجسم مرزهای هویتی فرد است.

- سبک زندگی نامی است برای یک کل نه مولفه یا مولفه های خاص یعنی مجموعه ای نسبتاً منسجم از معانی و رفتارهای به هم پیوسته و دارای ارتباط نظاموار یا منظومه ای یا الگویی انتزاعی از آنها.

به بیان دیگر، سبک زندگی، الگویی همگرا (کلیت تامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع های اجتماعی و دارایی ها است که فرد یا گروه بر مبنای پاره ای از تمایلات و ترجیح ها (سلیقه) اش و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می کند.

و به بیان مختصر، سبک زندگی، مجموعه ای نظام مند از کنش ها و رویه های مرجح است.

- سبک زندگی به عنوان یک کلیت معمولاً از شش منبع هنجاری تغذیه می شود: سنت (هنجارهای سنتی و کهن دارای منشا طبیعی)، قانون، (یا فقه در جامعه اسلامی یا دینی)، اخلاق، آداب و رسوم، استحسانات ذوقی و تخیلی، مصلحت سنجی های عقلایی.

- سبک از دید برخی متضمن الگو یا رفتارهای اصیل (غیر نمادین) و از دید برخی معرف الگوها یا رفتارهای نمادین و نمایشی است. در چپستی مدلول این نماد نیز اختلاف نظر وجود دارد: نماد فردیت برتر (ذیمیل)، نماد عادات فکری و سلسله مراتب اجتماعی (وبلن)؛ نماد منزلت اجتماعی (وبر)، نماد هویت فردی و اجتماعی (بورديو، گیدنز و جمعی از جامعه شناسان متاخر).

- در هر جامعه معمولاً تنوعی از سبک‌ها و خرده سبک‌های زیستی در ساحت‌های مختلف رواج دارد. برخی سبک‌ها به دلیل عمومیت و ارجاع جمعی، کلان‌الگو شمرده می‌شوند.

- سبک زندگی از دید جامعه شناسان الگویی فردی - جمعی است یعنی الگویی حاصل از خلاقیت و گزینش فردی در ارتباط خلاق با ظرفیت‌های فرهنگی و فرصت‌ها و محدودیت‌های محیطی (البته آدلر سبک را امری فردی می‌داند. یعنی به تعداد افراد، سبک زندگی وجود دارد و سبک هر فرد منحصر بفرد است. اگر چه می‌توان آنها را در دسته‌هایی طبقه بندی نمود). الگوی فردی جمعی سبک زندگی را می‌توان در سطح فرد نیز مطالعه کرد. (فردگرایی روش شناختی)

- انتخاب سبک توسط فرد گاه هشیارانه و گاه ناهشیارانه و تحت تاثیر سلطه، هژمونی، اشاعه، عادت واره و تعلقات میدانی صورت می‌گیرد. در هر حال، از آنجا که رفتارها، وضع‌ها، دارایی‌ها به اقتضای ترجیح و تمایل عاملان گزینش می‌شوند، می‌توان آنها را به انتخاب و اختیار افراد مستند دانست.

- عوامل موثر در انتخاب و ترجیح سبک توسط فرد عبارتند از: سرمایه فرهنگی فرد یا والدین او نظیر تحصیلات، عقلانیت، باورداشت‌های مذهبی، تجربیات زیستی، منزلت اجتماعی؛ سرمایه اقتصادی (ثروت، درآمد، امکانات، فرصت‌ها)؛ ویژگی‌های ذهنی و روان شناختی نظیر بینش‌ها، افکار، آرمانها، تمایلات، نگرش‌ها، ترجیحات، خلق و خویها، عادت واره‌ها، اذواق و سلايق، نیازها و تفسیر فرد از آنها؛ زمینه‌های فرهنگی اجتماعی مثل گفتمان غالب فرهنگی، فرصت‌ها، امکانات و محدودیت‌های محیطی، اقتضائات عصری، انتظارات اجتماعی و.... برخی جامعه شناسان نظیر بورديو از منطبق گزینش فرد تحت عنوان سلیقه (taste) یاد کرده اند.

- به لحاظ گستره، سبک زندگی تقریباً همه ساحت‌های زیستی فرد در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همه جنبه‌های زندگی اعم از فردی، اجتماعی، مادی و غیر مادی را شامل می‌شود. مولفه‌ها یا مصادیق آن را می‌توان به شرح زیر طبقه بندی نمود: افکار و عقاید (بینش‌ها، اندیشه‌ها، معتقدات)، گرایش‌ها (ارزش‌ها، تمایلات، ترجیحات و احساسات)، وضعیت‌ها یا پایگاهها (اقتصادی، اجتماعی، شغلی، منزلتی)؛ دارایی‌ها (اعم از سرمایه‌ای و مصرفی نظیر زمین، مسکن، وسایل خانه، ماشین)، روابط و مناسبات (شبکه

ارتباطی نظیر دوستان، مرتبطان، خویشاوندان و...)، رفتارهای بیرونی، وضعیت های جسمی و ژست های فیزیکی مثل نحوه نشستن، راه رفتن، حرف زدن، زینت و آرایش)، اشتغالات تفننی (نوع سرگرمی، تفریح، ورزش، فراغت)، علایق واذواق (نوع موسیقی، عطر و ادکلن، رنگ و فرم لباس). لازم به ذکر است که مفهوم سبک اگر چه به لحاظ گستره مصداقی تقریبا همه عناصر و مولفه های عینی و نمادین جاری در زندگی روزمره را در برمی گیرد، اما غالبا به جلوه های رفتاری و نمودهای عینی آن بذل توجه می شود.

-سبک زندگی در تلقی مدرن ارتباط مستقیمی با مقوله مصرف و مصرف گرایی بویژه مصرف زیباشناختی و متظاهرانه به عنوان مشخصه بارز جامعه مدرن و معرف سلیقه های طبقاتی در استفاده از فراغت، بدن، پوشش، گفتار و سایر ویژگیها دارد.

- سبک زندگی به مثابه قاعده رفتار و شیوه عمل، مولد آثار و نتایج و به زبان جامعه شناختی کارکردهای آشکار و پنهان یا مقصود و غیر مقصودی است که در تحلیل ابعاد اجتماعی آن، نمی توان از آنها غفلت نمود: ایجاد پل ارتباطی میان ساخت و عاملیت، هدایت کننده افکار، تمایلات و کنش های فردی؛ ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی(ذیمل)؛ سیاست و تدبیر زندگی (گیدنز)؛ برقرار کننده رابطه میان تمایلات و ترجیحات فردی با سلسله مراتب اجتماعی (بورديو)؛ مشروعیت بخشی در حوزه سیاسی، تقویت کننده فردیت اجتماعی در حوزه اجتماعی و کمک به توسعه خودآگاهی و ترجیحات فردی؛ فراهم سازی امکان تعامل افراد بویژه جوانان با شرایط ساختی اجتماعی و تسهیل کننده سازگاری خلاق فرد با محیط و محدودیت های آن؛ امکان یابی تجربه محدودیت های اجتماعی توسط افراد بویژه جوانان، تعیین کننده تمایزات منزلتی و طبقاتی و هویت افراد بر حسب ویژگی های فردی و اجتماعی؛ تعیین کننده مرزبندیهای موقعیتی افراد، گروهها و اقشار مختلف؛ راهی برای دستیابی به هدف(آدلر)؛ جبران کننده در حوزه روان شناسی فرد(آدلر).

- سبک ها در عین تقوم و استقرار نهادی، انعطاف پذیر بوده و تحت تاثیر عواملی دستخوش تغییر می شوند اگر چه، نرخ تغییر پذیری عناصر موجود در یک الگوی سبکی متفاوت است.

ویژگی های سبک زندگی

علاوه برخطوط کلی فوق، در یک بیان توصیفی می توان ویژگی های ذیل را برای سبک زندگی به معنای متعارف آن در علوم اجتماعی - قطع نظر از تفاوت دیدگاهها- شماره کرد:

نظام وارگی و کلیت؛ الگو بودن برای معانی و رفتاری؛ عینیت یابی شخصیت و فرهنگ ذهنی با بهره گیری از فرصت ها و محدودیت های محیطی در قالب اشکال و صور خاص؛ توجه یکسان به وجوه ساختی (محیط مسلط و محاط ساختی) و وجوه فردی موثر بر کنش اجتماعی؛ مبین دو سویه بودن ارتباط ساخت هویت فردی و اجتماعی (تعامل نهادهای اجتماعی و عوامل ساختی یا زمینه های محیطی با شخصیت و موقعیت های فردی)؛ مقوله ای فردی جمعی (یعنی می توان آن را هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی یافت و مطالعه کرد. اما اینکه فرد هم بتواند سبک زندگی داشته باشد، اختلاف است)؛ متضمن عناصر ثابت و متغیر (سبک در بخش های که با معنا و هویت فرد و گروه پیوند دارد، ساختی بیشتر با ثبات دارد و به تبع افکار و احساسات و کنش های حاصل از آن نیز از استقرار نسبی برخوردارند. اما در بخش های متغیر است)؛ معرف نمادین هویت؛ تعیین کننده مرزهای نامشخص موقعیت و قشر اجتماعی؛ برجسته بودن نقش عاملیت و انتخاب فردی در مقایسه با عوامل ساختی؛ بازآفرینی الگوی جمعی ارجحیت ها توسط افراد حسب سلايق شخصی و گزینش های ترجیحی آنها از میان فرصت ها و گزینه های محیطی؛ عرصه ای مناسب برای مطالعه روند تغییرات در الگوهای رفتاری جامعه بویژه رفتار های مصرفی (و بالاخص رفتارهای مصرفی نسل جوان)؛ دارای ارتباط مستقیم با مقوله مصرف و مصرف گرایی بویژه مصرف زیباشناختی و متظاهرانه به عنوان مشخصه بارز جامعه مدرن و معرف سلیقه های طبقاتی در استفاده از فراغت، بدن، پوشش، گفتار و سایر ویژگیها؛ مبین نوعی جهان بینی، نظام ارزشی، جهت گیری و نگاهی خاص به زندگی؛ نشانگر رابطه فرد با جهان بیرون؛ معرف قشر اجتماعی فرد؛ مرادف با پاره فرهنگ یا خرده فرهنگ (به دلیل نقش الگویی آن. البته در این تلقی از خرده فرهنگ، علاوه بر شرایط ساختاری به انتخاب فردی نیز عمیقا توجه می شود)؛ متنوع و متکثر به تبع تنوع ایده ها، سلايق و ترجیحات فردی و فقدان ایده های کلان مشترک یا فراروایت ها (از این رو، هر فرد می تواند سبک های متعدد و در نتیجه هویت های متعدد به صورت متداخل یا دارای نسبت هرمی و سلسله مراتبی داشته باشد. برخی از آنها نیز ممکن است با یکدیگر هیچ نسبتی نداشته باشند)؛ متأثر از گرایش ها (تمایلات و ترجیحات) یا آنچه ذوق و سلیقه خوانده شده؛ تکامل پذیر از طریق فرایندهای اجتماعی؛ خلاقانه و گزینشی بودن اجزا و عناصر (مبنای این گزینش فردی عقلانیت و حسابگری یا ذوق و سلیقه است) (مبنای سلیقه نیز حسب اختلاف دیدگاهها امری حسی، خیالی یا عقلانی است)؛ دارای تعامل و گاه تقابل با فرهنگ مسلط؛ تبلور عینی در زندگی روزمره؛ عدم وابستگی به ویژگی های صرفا ساختاری (مثل طبقه، جنسیت، پایگاه اجتماعی، قومیت، نژاد)؛ وابستگی اندک به گذشته تاریخی، سنت و رسوبات فرهنگی میراث (برخلاف مثلا قومیت که محصول نوعی استمرار تاریخی است)؛ قاعده مندی و ساخت یافتگی اجمالی؛ متن محوری و وابستگی آن به صورت های فرهنگی غالب و فضای فرهنگی اجتماعی یک جامعه خاص.